



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۴	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۲۲
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	بیان جامع شهید صدر رحمته الله در آیه نفر				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

بیان جامع شهید صدر رحمته الله در آیه نفر

استاد بزرگوار شهید آیت الله صدر قدس الله روحه در اینجا یک بیان جامعی دارند که می فرمایند برای اینکه دلالت یا عدم دلالت آیه نفر بر حجیت خبر را مشخص کنیم، باید احتمالات حذر را بررسی کنیم و نسبت این احتمالات را با دلالت آیه بر حجیت خبر بررسی کنیم. ایشان می فرمایند هم باید احتمالات حذر را بیان کنیم و ببینیم چه نسبتی با ثبوت حجیت خبر به وسیله آیه دارد و هم آن وجوهی که در حذر محققان اصولی بیان کرده بودند و در گذشته بحث کردیم.

تقریبات وجوب حذر

در گذشته بیان کردیم که برای وجوب حذر، سه تقریب وجود دارد: تقریب اول اینکه «لعل»، دلالت بر مطلوبیت حذر دارد و مطلوبیت آن نزد خداوند، به معنای وجوب است. تقریب دوم این بود که اگر حذر واجب نباشد، لغویت کلام حکیم در وجوب انذار لازم می آید. تقریب سوم نیز این بود که وجوب حذر، غایت وجوب انذار است و اگر مغیا واجب باشد، نمی شود که غایت اختیاری واجب نباشد.

فروض وجوب حذر

دو فرض اساسی و کلی در وجوب حذر وجود دارد. فرض اول اینکه وجوب حذر، وجوب حذر از عقاب باشد؛ یعنی وقتی آیه می فرماید: ﴿لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛ یعنی از عقاب بر مخالفت آنچه مندرین انداز کردند، حذر کنند. فرض دیگر اینکه وجوب حذر، وجوب حذر مخالفت با واقع و تفویت غرض مولا در نتیجه مخالفت با انداز منذر باشد.^۱

بررسی فرض اول بر اساس تقریب اول

بر اساس فرض اول (حذر، حذر از عقاب بر مخالفت مولا باشد) و تقریب اول (وجوب حذر به دلیل مطلوبیت آن نزد خداوند)، پنج احتمال در توجیه وجود دارد تا حذر، حذر از عقاب بر مخالفت بر انداز باشد:^۲

احتمال اول اینکه وجوب حذر، یک وجوب مولوی باشد که به وسیله آن، مولا می خواهد انشاء حجیت کند؛ یعنی اینکه می فرماید از عقاب مخالفت بر انداز بترسید، به این دلیل است که انداز، حجت است. به عبارت دیگر، مولا برای اینکه حجیت انداز و اخبار را انشاء کند، می فرماید حذر از عقاب بر انداز واجب است. بنابراین احتمال اول این است که بالسان تحذیر از مخالفت عقاب بر انداز، حجیت انداز را انشاء و جعل می کند.

ایشان می فرماید این احتمال، احتمال معقولی نیست؛ زیرا معنای این احتمال این است که حجیت مترتب بر استحقاق عقاب شود؛ یعنی این چنین می شود که «چون استحقاق عقاب ثابت شد، پس حجت است»؛ درحالی که برعکس است و چون حجیت وجود داشته باشد، استحقاق عقاب به وجود می آید. هنگامی که حجیت انداز منذر ثابت شود، آن وقت است که استحقاق عقاب بر مخالفت این انداز ثابت می شود.^۳

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] فرمایش شما، بر خلاف تقریری است که ما بیان کردیم؛ این احتمال، گفته نمی شود که از این بیان می فهمیم که حجیت قبلاً جعل شده است؛ بلکه گفته می شود که خود این بیان، انشاء جعل حجیت است؛ نه اینکه از حجیت سابق کشف کند.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] بحث در کاشف نیست؛ بلکه بحث این است که این حجیت، قبلاً ثابت نبوده و الان می خواهد با این بیان، آن را جعل کند؛ یعنی جعل حجیت، با جعل عقاب صورت بگیرد. استاد شهید می فرماید با وجوب حذری که عقاب آور است، نمی توان حجیت انشاء کرد؛ زیرا عقاب، مترتب بر حجیت است؛ نه اینکه حجیت مترتب بر عقاب باشد.

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «إِنَّ التحذّر المذكور في الآية الشريفة تارة: يفرض ظهوره في التحذّر عن العقاب، وأخرى: يفرض ظهوره في التحذّر عن مخالفة الواقع وتفويت غرض المولى، وثالثة: يفرض إجماله وملائمته لكلا الأمرين». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

۲. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «فعلى الوجه الأول - وهو كون مطلوبية الحذر المستفادة من قوله: «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» ملازمة لوجوبه - نقول: إنه يوجد في بادئ النظر في قوله: «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» احتمالات خمسة». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

۳. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «الأول: أن يكون هذا حكماً مولوياً بالتحذّر عن العقاب يُنشئ به الحجية. وهذا غير معقول؛ إذ العقاب يكون في طول الحجية لا العكس، ولازم هذا الوجه هو العكس؛ إذ لولا ثبوت العقاب في المرتبة السابقة لا يعقل الأمر بالتحذّر عنه». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] نسبت بین عقاب و حجیت و بین دو وجوب، متفاوت است. بین عقاب و حجیت، نسبتی برقرار است که عقاب، نمی تواند قبل از حجیت جعل شود؛ حتی عقاب نمی تواند همراه حجیت جعل شود؛ بلکه ابتدا باید حجیت ثابت شود و بعد عقاب بر آن مترتب شود؛ زیرا نسبت بین حجیت و عقاب، نسبت علت و معلول است. حجیت، علت استحقاق عقاب بر مخالفت است. ایشان می فرماید این احتمال، بدین معناست که حجیت، معلول استحقاق عقاب باشد؛ درحالی که حجیت نمی تواند معلول استحقاق عقاب باشد؛ بلکه استحقاق عقاب، معلول حجیت است.

احتمال دوم اینکه -مانند احتمال اول- حکم وجوب حذر، حکم مولوی باشد؛ اما وجوب حذر، تنها از انذار موجب علم ثابت باشد؛ مانند این است که بگوید: «الانذار موجب للعلم يجب التحذر منه» یا «يجب التحذر عن الانذار موجب للعلم». ایشان می فرماید این احتمال نیز مخالف با ظاهر است؛ زیرا در صورتی که از حذر از انذار موجب علم واجب باشد، طلب علم، مقدمه الوجود می شود؛ درحالی که متعلقات المتعلق، ظهور در مقدمه الوجوب دارند؛ نه مقدمه الوجود^۱. به عبارت دیگر اگر شارع چنین بگوید که «يجب حذر عن الانذار موجب للعلم»، بدین معناست که علم، مقدمه وجود متعلق (انذار موجب علم) باشد؛ زیرا تا انذار موجب علم حاصل نشود، این حذر واجب نمی شود. علم، به تعبیر ما -متعلق المتعلق است؛ یعنی حذر، متعلق وجوب می شود و حذر از انذار است و انذار، انذار علمی است.

قاعده ای وجود دارد که متعلق المتعلق، مقدمه الوجوب می شود؛ نه مقدمه الوجود؛ مثلاً اگر بگوید: «زک مالک»، مال، متعلق المتعلق است؛ یعنی متعلق وجوب، زکات است و زکات به روی مال رفته است. این عبارت ظهور دارد که باید مالی وجود داشته باشد که تا وجوب زکات بر آن بار شود؛ یعنی مال، مقدمه الوجوب است؛ نه مقدمه الوجود. اگر مقدمه الوجود باشد، بدین معناست که بر مکلف لازم است که خود مال را به وجود آورد تا زکات آن را بدهد؛ مانند اینکه بگوید «اسعد السطح»، که مکلف باید نصب سلّم انجام دهد تا بتواند به پشت بام برود.

در اینجا اگر گفته شود این وجوب حذر، وجوب حذر از انذار علمی است، بدین معناست که بر مکلف لازم باشد که انذار علمی را تحصیل کند تا حذر بر او واجب باشد؛ یعنی تحصیل علم، مقدمه امتثال وجوب حذر می شود. در نتیجه بر مکلف لازم می آید برای اینکه از انذار منذر حذر کند، تحصیل علم از انذار منذر انجام دهد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] تحصیل علم در اینجا، تحت طلب می رود و می گوید برای اینکه حذر کنی، باید انذار علمی را تحصیل کنی. به عبارت دیگر، می خواهد بگوید حذر واجب است و اگر حذر نکنی، عقاب دارد؛ حذر هم از انذار موجب علم واجب است؛ در نتیجه حتماً باید تحصیل علم کنی، تا بتوانی از انذار حذر کنی. اگر تحصیل علم نکنی، نمی توانی به این وجوب عمل کنی.

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «الثاني: أن يكون حكماً مولوياً متعلّقه خصوص التحذّر الذي يكون عقيباً للعلم بنحو يكون نفس تحصیل العلم مطلوباً؛ لكونه مقدّمة وجوديّة للمطلوب. وهذا خلاف الظاهر؛ لأنّ متعلّق الطلب إذا تعلّق بمادّة فظاهر الكلام كون تلك المادّة مقدّمة وجوبية لا داخلية في دائرة الطلب، فلو قال مثلاً: (صلّ في المسجد) لم يكن بناء المسجد داخلًا في دائرة الطلب». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

شهید می فرماید ظهور در متعلق المتعلق این است که مقدمة الوجوب است؛ لذا اگر خبر موجب علمی حاصل شد، حذر از آن واجب می شود؛ نه اینکه حذر واجب باشد و بعد تحصیل علم از انداز هم واجب بشود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين